

تعیین حداقل دستمزدها توسط نمایندگان کارگران



متن پیاده شده مصاحبه پرتو با کورش مدرسی در مارس ۲۰۰۶ که در نشریه کمونیست ۸۲ منتشر شد. اکنون دور جدیدی از اعتراضات رژیم اسلامی به معیشت طبقه کارگر در جریان است و در مقابل دور دیگری از اعتراضات کارگری در حال شکل گیری است. امیدواریم بازتکثیر این مطلب در جهت هموار کردن مشکل رهبران کارگری مفید و موثر واقع شود.

اکتبر

حداقل دستمزد باید توسط نماینده کارگران تعیین شود. دولت و کارفرمایان و نمایندگان خود گمارده آنها اجازه ندارد جلو بیایند و در حد نصف خط فقر و یا زیر خط فقر سطح دستمزد کارگران را رقم بزنند. اینها خردشان کسانی هستند که کارگران باید حق شان را از حلقوم شان بیرون بکشند. دولت نماینده کارفرما است، خود کارفرما ها هم که مستقیماً پشت میز نشسته اند. در این وسط کارگران جایی نمایندگی نمیشوند. بحث مذاکرات میان کارگران و طرف مقابل شان بر سر افزایش دستمزدها است؛ از صفحه ۲

مصطفی اسد پور: در ماه آخر سال کشمکش بر سر تعیین سطح دستمزد کارگران در ایران بالا گرفته است. دولت، شوراها و کارفرما ها در اسلامی آن، و کارفرما ها در تکلیفی شدید هستند که دستمزد طبقه کارگر را یکبار دیگر در بالاترین سطح ممکن تثبیت کنند. در میان خود کارگران، جانها از جهنم فقر و تباهی جاتگاه به لب شان رسیده است. در میان جریانات و فعالین کارگری تلاش و مباحثه برای کسب سطح بالاتر معیشت به گرمی در جریان است. سولاتی در همین زمینه را پیش پای کورش مدرسی قرار داده ایم. کورش مدرسی مبنای این کشمکش بر سر اینست که سطح دستمزد کارگران چقدر باید باشد، و چه کسی مجاز است که آنرا تعیین کند. شما در این مورد چه فکر میکنید؟

کورش مدرسی: در برنامه حزب ما به این موضوع با نکت و وضوح پرداخته شده است. ساهاست ما روی همین موضع میگویم این موضع همان چیزی است که در خواسته کارگران شرکت واحد هم منعکس است.

بحران و اختلاف در حزب دمکرات کردستان! اختلاف بر سر چیست؟



حسین مردابیگی (حمه سور)

راجع به آن چیزی نمیگویم. خود را "اپوزیسیون" نامیدن که جواب نشد. گفتن اینکه "اختلاف سلیقه" است، یا "جنگ قدرت" است، یا "دست خارجی" در کار است، یا "اختلاف شمال و جنوب" است و یا "بفهمی از دمکراسی" و حق "اقلیت" باید برسمیت شناخته شود و غیره که جواب نشد. بلاخره از شما می پرسند که اختلاف بر سر چیست؟ جواب شما چیست؟ یا این جوابها کسی را که حتی تازه به میدان سیاست پا گذاشته باشد را نمیتواند قانع کند.

اوایل دهه هشتاد قاسملو با بحث "کورته باس" (بحث کوتاهی در مورد سوسیالیسم)، از اردوگاه

حزب دمکرات دچار بحران است، دچار اختلاف است و اختلاف در حزب دمکرات مثل هر جریان سیاسی دیگری نیز سیاسی است، اما هیچکسی در طرفهای دعوی درونی حزب دمکرات بحثی از علل سیاسی این اختلافات نمیکند و

اعتصاب رانندگان تاکسی در شهر سقز! چه باید کرد؟



خالد حاج محمدی

روز به ۲۰ لیتر تقلیل دادند و این اقدام با اعتراض تاکسیرانان روبرو شد. همزمان بنزین و سایر مواد سوختی، به وفور در بازار آزاد و با قیمت گزاف یافت میشود. تاکسیرانان اعلام کرده اند چنانچه به خواستههای آنان رسیدگی نشود، به اعتراضات خود ادامه میدهند.

این تنها تاکسیرانان شهر نیستند که این مدت مورد تعرض قرار گرفته اند. سهمیه بندی سوخت در شهر با شروع سرما بخش اعظم مردم را با مشکلات جدی مواجه میکند. سهمیه بندی مواد سوختی فوری بالا رفتن قیمتها را با خود دارد. جدا از این همین مدت دهها نفر از جوانان و مردم شهر را به بهانه های واهی به دانگاه کشاندند و محاکمه کردند. محمود صالحی و

روز یکشنبه ۱۲ شهریور رانندگان تاکسی در اعتراض به کمبود بنزین و سهمیه بندی کردن آن در مقابل فراماداری دست به اعتصاب زدند. رانندگان به مدت ۵ ساعت کل میدان قنس و خیابان ساحلی را با تاکسی های خود مسدود کردند. همچنانکه در جریان هستید در شهرهای مختلف منتهاست مواد سوختی را سهمیه بندی کرده اند. در سقز در همین اواخر سهمیه بنزین تاکسیها را از ۳۰ لیتر در

نجیبه صالح زاده را به بهانه توهین به یکی از مزدوران خود به دانگا کشاندند که با اعتراض مردم برنامه آنان به هم خود فشار را بر سر بقیه فعالین کارگری شهر همچنان حفظ کرده اند. برهان نیوارگر را علیرغم ترک ایران رسماً تهدید به ترور کردند. در همین مدت در مناطقی از شهر به جمع کردن ماهواره ها پرداختند. تلاش دارند فضای اسلامی را حاکم و فشار بر زنان را افزایش دهند. مردم مبارز سقز! حقیقت این است این فشارها مختص سقز هم نیست و دامنه آن کل جامعه را گرفته است. آنچه مسلم است جمهوری اسلامی همیشه در تلاش بوده تا هر فضای اعتراضی را در هم شکنند. کشتار

در صفحات دیگر این شماره اعتصاب کارگران پاریس پایان یافت کارگران اعتصابی پاریس سندج به اکثر خواسته های خود دست یافتند! مامورین رژیم ۲ خانواده را بی سرپناه کردند جیره بندی بنزین درسندج موجی از اعتراض را دامن زده است اکتبر می پرسد؛ رستم گودرزی

در کنگره اول حزب حکمتیست شرکت کنید! کنگره اول حزب حکمتیست، روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر در آلمان، بصورت علنی برگزار میشود!

## حزب دمکرات کردستان...

به باور من ریشه اختلاف کنونی در صفوف بالای حزب دمکرات، چرخیدن حزب دمکرات به سمت آمریکا و سیاست "منطقه ای" دولت آمریکاست. موضوع در واقع این است، خرده اختلافات سابق و اختلافات شخصی در رهبری حزب دمکرات حول آن به حرکت در آمده اند. مشکل، رابطه با آمریکا و تقابل افراد سنتی تر رهبری حزب دمکرات با این سیاست است. این سیاست با نامه تبریک مصطفی هجری به جورج بوش به مناسبت انتخاب جورج بوش به ریاست جمهوری در نوامبر 2004 رسماً اعلام گردید. به جای اینکه بیابند راجع به این بحث کنند، در مورد مسائل فرعی تر گریبان همدیگر را گرفته اند. جناحی که خود را "اپوزیسیون" در حزب دمکرات نامیده است در بیانیه خود که در تاریخ 85/5/7 صادر کرده است بطور سر بسته و کنگ و به کمک علانم و رمز در در این جمله کوتاه:

"نظر اعضاء را با دادن شعار و عده و وعده غیر واقعی و کوتاه مدت جلب میکنند" (یعنی با وعده و وعده غیر واقعی آنان را دلخوش میکنند) به نقش جناح دیگر که به جناح مصطفی هجری مشهور

است در این اختلافات اشاره میکند، بدون اینکه زحمت روشن کردن این علانم و رمزها را بر زبان آمی زار برای آنان و دنیای بیرون خود به خود بدهد. اختلاف اینها در واقع بر سر توری و نزدیکی و اینکه چقدر به آمریکا باید اتکاء کنند دور میزند. این اختلاف در متن اوضاع فعلی، یعنی بن بست آمریکا در عراق و منطقه و افول ستاره اتکاء به آمریکا و لاسردی از امید و توهم های اولیه به سیاست منطقه ای آمریکا شدت پیدا کرده است. آمریکا اکنون در موقعیت بسیار ضعیفی قرار دارد. در جهان مزوی تر شده است، در باتلاق عراق گیر کرده است و بیشتر در فکر راهی برای بیرون کشیدن خود از آن است تا در فکر متحقق کردن خواب و خیالهای مصطفی هجری و رساندن به آن "بهشتی" باشد که او به خود و اعضاء حزب دمکرات وعده آن را داده بود. معلوم شده است که سفر این مدت مصطفی هجری به واشتنگتن و گشتن رهبری حزب دمکرات در راهروهای ماموران وزارت خارجه آمریکا بی نتیجه بوده است. این را البته عبدالله مهندی از سران زحمتکشان صراحتاً گفته است که آمریکا سیاست و استراتژی روشنی برای "کردستان شرقی" ندارد. بیداست امیدهایی که برای آن کیسه دوخته

بودند به یاس تبدیل شده است. و عده و وعده هایی که مصطفی هجری به اعضاء حزب دمکرات در این خصوص داده بودند، غیر واقعی بوده و پوچ و توخالی از آب درآمده اند. این وضعیت موضع فاصله گرفتن از آمریکا و دنباله روی سراسیمه از "پریزیدنت بوش" را تقویت کرده است. اختلاف بر سر این است. بر سر این اختلاف سیاسی، نمیشود "رفراندم" کرد! مگر حزب سیاسی رفراندم دارد تا شما رفراندم بکنید؟ حزب سیاسی کنگره دارد و احزاب سیاسی میروند در کنگره و با هر مرجع عالی حزبی دیگری و مشکل سیاسی خود را در آن حل میکنند. به جای طرح روشن و واضح این اختلاف، رفته اند حول و حوش مسائل دیگری که با هزار پیچ و خم به اصل اختلاف مربوط است و "اپوزیسیون" در حزب زده اند! مگر حزب جامعه است که بتواند در آن "اپوزیسیون" زد؟

دعا و بحران و کشمکش کنونی درون حزب دمکرات یک واقعیت را نشان میدهد، آنهم بی ربطی ناسیونالیسم کرد و کل این بساط به زندگی و آینده مردم در کردستان ایران. زمانی که مصطفی هجری در اتکاء به دولت آمریکا تکرار سناریوی کردستان عراق را در "چند قومی" خود میبندد و آنچنان از

خود بیخود شده بودند که در کردستان ایران حریف می طلبید، طوریکه حتی صدای متحدین چند روز قبل خود را نیز در آورده بود، ظاهراً اختلافی بر سر این مساله نبود. این را در مصاحبه مصطفی هجری با رادیو زاپله (رادیوی بزبان کردی در استکهلم) آوریل 2005 به روشنی میشد تشخیص داد. حسن رستگار در ماه اول سال 2006 در مصاحبه ای با همین رادیو هر نوع اختلافی را در رهبری حزب دمکرات انکار میکرد! اکنون که دولت آمریکا ضعیف شده و وعده عده هایی که رهبری حزب دمکرات برای آن کیسه دوخته بود پوچ از آب درآمده است، دعوی داخلی شان بر سر این مساله شدت گرفته است. جنگ و دعوهایی که هیچ ربطی به منافع مردم کردستان نداشته و ندارد. در اختلاف سیاسی کنونی نیز که حتی جرات علنی کردن آن را ندارند، تازه یکی میگوید آمریکا، دیگری میگوید آمریکا نه! این چه ربطی به زندگی و منافع مردم کردستان دارد؟ مردم کردستان نباید به هیچکدام از اینها نخیل به بنند. این هانه تنها مساله شان منافع و آینده مردم کردستان که حتی حل مساله ملی کرد نیز نبوده است. آخرین شاهکار این حزب تعییر ریل از شعار "خودمختاری" به فدرالیسم قومی

است که با آن خواب "عراقیزه کردن" ایران را می بینند و برای این کار سکتهای فاشیست قومی را دور خود جمع کرده اند. در این میان سازمان زحمتکشان نیز که در درست کردن "جبهه کردستانی" با حزب دمکرات خود را سر خورده می بیند برای اختلافات کنونی درون حزب دمکرات کیسه دوخته است. تصور اینکه جریانی بشدت قومی و متعصب و بی ریشه مانند سازمان زحمتکشان، که کل موجودیت اش را به پیش آمدن سناریو سیاه در ایران و دخالت آمریکا بسته است، از شکاف ایجاد شده حزب دمکرات، نیرو بگیرد، زیادی او هام است. مردم باید با بحران حزب دمکرات، بیش از پیش به برنامه و سیاستهای احزاب خیره شوند و به آن حزب و نیروی سیاسی بپیوندند که صراحتاً دفاع از حقوق مردم و توده کارگر و زحمتکش را در برنامه و سیاست خود گنجانده است و نیروی مردم را برای تحقق آنها بسیج میکند. دوران سروانان مردم با سیاستهای پنهان و دیپلوماسیهای مخفی از مردم توسط احزاب ناسیونالیست کرد را باید با هوشاری مردم به پایان برد.

5 سپتامبر 2006



مردم و تلاش برای فضای اختناق و تمکین سیاست همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. اما درست در این توره و بعد از کشمکشهای آمریکا به بهانه تولید سلاح هسته ای، و در فضای جنگی که خود رژیم به آن دامن میزند، سیاست تعرض به معیشت مردم و مقابله با هر صدای مخالفی تشدید شده است. جمهوری اسلامی میخواهد با تشدید فضای جنگی مردم را بی تفاوت کند، میخواهد ما را در انتظار نگاه دارد و میخواهد در این فضا تعرضی را علیه مردم و هر آنچه مدنیت است دامن بزند. هدف استفاده از این فضا علیه ما و خریدن عمر برای جمهوری

اسلامی است.

## مردم مبارز سقز! زنان، جوانان، کارگران!

این تعرض را باید در هم شکست. این کار از ما ساخته است. اگر ما بخواهیم ماهواره ای به پایین کشید نمیشود. کسی جرات خانه گردی و دستگیری کسی را نخواهد داشت و بنزینی سهمیه بندی نمیشود و کارگری از کار اخراج نمی شود و زنی تهدید نمیشود. اتحاد و همدلی ما کلید این ماجراست. کافی است در محله کریم آباد و سیلو دو بار جوانان محل کسانای را که ماهواره جمع میکنند را فراری دهند. کافی است هر وقت سرو کله آنان پیدا میشود سنگباران نشان کرد. کافی است ماشین پلیسی که برای

دستگیری کسی وارد محل میشود را شکسته و مامورانش را دو بار در محلات شهر فراری داد. کافی است زندگی را بر ماموران رژیم در محله، بر قضات پرونده سازی برای جوانان و کارگران و مبارزین را در محله بیرون کرد، در خیابان تهدید کرد و محل زندگی آنان را نامن کرد. ما نباید بگزاریم به راحتی و در مقابل چشمان مردم ابتدایی ترین حقوق ما را زیر پا له کنند. این کارها را باید سازمان داد. این کارها را باید چپ و کمونیست محل، آزادیخواه و لاسوز مردم در محل، زن و مرد آزادیخواه در محل و نه تنها محل در کارخانه، در شهر و مدرسه و دانشگاه باید

سازمان دهند. شرط اول جمع شدن خود این فعالین و کسانای است که اهمیت این مسئله را درک میکنند و بعد سازماندندان مقابله و مقاومت در مقابل تعرضات رژیم و احدهای جوانان محل را میشود تشکیل داد. واحدهای گارد آزادی محل را میتوان تشکیل داد. در سطح شهر، در مراکز کارگری و مدارس میتوان دور هم جمع شد، کمیته کمونیستی، جمع مبارزین شهر و محل، جمع آزادیخواهان و هر چه اسمش را میگزارد تشکیل دهید و مردم را برای مقابله تشویق و به میدان بیاورید. با جوانان محل جمع شوید و تصمیم بگیرید در مقابل تعرضات آنان مقابله کنید. زن و مرد و جوان محل را علیه

این تعرض نسبیج و متحد کنید. با ما تماس بگیرید و به کمک هم به این کارزار برویم سکوت ویی تفالوتی ما، تامین آرزوی رژیم و سرافکنگی برای ماست. دیگر نباید گذاشت. نباید اجازه داد قومه چرخان اسلامی احساس امنیت کنند. نباید گذاشت فضای ضد زن و اسلامی را بر دختر و زن و جوان و مردم حاکم کنند. متحد شوید و مردم را به اتحاد و مقابله با جمهوری اسلامی تشویق کنید.

خلد حاج محمدی

khaledhaji@yahoo.com

شرایطی که جنبش کارگری ایران در آن قرار دارد این است که یک حکومت بسیار مستبد و خشن سر کار است که اجازه هیچ جور تشکیلاتی نمیدهد، تشکل های کارگری، شوراهای، سندیکاها و احزاب کارگری جزء اولین نهادهایی هستند که چنین حکومتی ممنوع کرده و بشدت سرکوب میکند. کارگران قدرتشان در اتحاد و تجمع است. کارگر را تکی تکی میشود منفرد و سرکوب کرد ولی توده وسیع کارگری و بخصوص اجتماعات وسیع کارگری و تصمیمات اجتماعات کارگری را نمیشود نادیده گرفت و بارها کارگران این را به جمهوری اسلامی، حتی در اوج قدرقدرتی آن، نشان داده اند که وقتی مجمع عمومی کارگری تشکیل می شود و حرفی میزند، نماینده کارگر و کسی که در آن مجمع عمومی وظیفه سخنگویی کارگران را بعهده گرفته، به درجه زیادی مصونیت سیاسی پیدا میکند. منصور حکمت

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

## کارگران... از صا

جمله بنا به سطح تورم نکته دیگر سراسری بودن این مذاکرات است. سطح دستمزد ها باید پشت میزی تعیین شود که یک طرف آن نماینده تشکل های آزاد کارگری در سطح سراسری و در طرف دیگر آن نماینده دولت و کارفرما ها و آنها در سطح سراسری، قرار گرفته اند. روال معمول جمهوری اسلامی، ناگفته پیداست که یک روش سر خود، بی اعتبار و آشکارا ضد کارگری است.

**مصطفی اسد پور:** پیچیدگی های متعددی در این راه عنوان میشود. مشخصا اینکه الان تعیین نمایندگان مستقیم کارگری عملا ممنوع است. لباس نمایندگی کارگران را خانه کارگر و شوراهای اسلامی برتن کرده اند. و سر خود دارند حول و حوش رقم نویسی هزار تومان را به خورد کارگران میدهند. این مشکل را چگونه میتوان حل کرد؟

**کوروش مدرسی:** مشکل تنها با اقدام خود کارگران برای تعیین نمایندگان خود، قابل حل است. همه جا کارگران میتوانند جمع شوند و نمایندگان خود را تعیین کنند. هیچ کس نمیتواند جلودار کارگران برای تشکیل مجمع عمومی خود آنها شود. کارگران شرکت واحد پا پیش گذاشته اند. کارگران شرکت نفت هم میتوانند

همین کار را بکنند. سایر کارگران هم به همین ترتیب قدرت کارگران برای بیرون کشیدن حق خود از حلقوم سرمایه داران و دولت شان در این نهفته است که کارگران قادرند جامعه را بخوابانند. همه چیز را از حرکت باز بدارند. امکان چانه زدن کارگران در کشمکش بر سر تعیین سطح دستمزد ها در تشکل ها، نمایندگی مستقیم و در قدرت شان برای تعطیلی کار و اعمال فشار از این راه نهفته است. برای اینکار، باید کارگران شرکت نفت و سایر بخشها درست مثل شرکت واحدی ها آستین بالا بزنند و در مجمع عمومی خود نمایندگانشان را تعیین کنند. مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان باید برای همین تعیین سطح دستمزد ها، صورت بگیرد. سکوت در این مورد جایز نیست. با این سکوت طبقه ما دارد با دست خود به پای خود تیر میزند.

بنظر من هر راه حل دیگر در این مورد توهم پراکنی است. اعداد مختلفی توسط جریباتی "سر زبانها" انداخته میشود. اینها، از جمله ۴۰۰ هزار و ۵۰۰ هزار تومان، اعداد من درآوردی است که بر مبنای خط فقر محاسبه میشوند. اینها عملا کارگر را در حاشیه خط فقر نگه میدارد. این جریبات بجای اینکه کارگران را به تشکل و تعیین نمایندگان اش

تشویق کنند، به شعارهای من درآوردی از جانب رهبران من درآوردی مشغول شده اند. این سیاست تشکل را در طبقه کارگر میکشد. کسی که به فکر طبقه کارگر است، خیلی سر راست باید خط کارگران شرکت واحد را پیش بگیرد. نماینده کارگران باید سطح حداقل دستمزد ها را تعیین کنند. در غیر اینصورت کارفرما ها و دولت اینکار را انجام میدهند. به همین سادگی! عرصه، عرصه جدال است، و نه عرصه مذاکره صرف.

**مصطفی اسد پور:** خواستها در این جدال چه محورهایی را شامل میشود. خود شرکت واحدی ها در تعیین سطح دستمزد ها پای دریافتی کارگران باز نشده را هم به میان کشیده اند.

**کوروش مدرسی:** بنظر من در مذاکرات دستمزد ها باید به درستی، کارگران و هم طبقه ای های بازنشسته را جا داد. بعلاوه مساله دیگر بیمه بیکاری همگانی است. بیکاری فقط مساله کارگران بیکار نیست. بیکاری خطری است که بالای سر همه کارگران گرفته شده است. بیکاری، هیولایی است که با آن کارگران را وادار میکنند از جمله به دستمزدهای زیر خط فقر تن بدهد. مجادله تعیین دستمزد ها یکی از عرصه های مستقیم و مهم برای کوبیدن میخ یک بیمه

بیکاری مکفی برای همه افراد بالای ۱۶ سال باید بحساب بیاید. این مساله هم سطح دستمزد ها را تضمین میکند و هم جبهه کارگری با آن متحد تر میشود. خلاصه کنم، تعیین سطح حداقل دستمزد از طرف نمایندگان مستقیم کارگران و بعلاوه سطح دریافتی بازنشستگان و بیمه بیکاری مکفی، باز هم از طرف همان نمایندگان کارگران جوهره اصلی و صحیح جدال حیاتی امروز را تشکیل میدهد. راه چاره هم در فراخواندن خود کارگران در مراکز کارگری برای تشکیل مجمع عمومی، تعیین نمایندگان و مدعی شدن آنها برای تعیین سطح دستمزد ها است. اگر کارگران چاره ای نیابند، باز هم مینشینند و شوربختی کارگران و آینده شان را باز هم زیر خط فقر، آنها خط فقر جمهوری اسلامی، رقم میزنند. اینها حتی اگر ۵۰۰ هزار تومان را هم بدهند باز هم خط فقر است.

**مصطفی اسدپور:** و یک سوال آخر. سلهای سال از جهنم رژیم اسلامی بر علیه کارگران، از جمله با فقر و فلاکت آن میگذرد. کمتر کارگری است که به این شرایط اعتراض نداشته باشد. هر سال هم سر بحث تعیین دستمزد ها باز میشود و باز هم همان دولت و کارفرما عوامل خانه کارگری آنها درست به همان روال سابق

میرند و میوزند. چرا کارگران حریف ایجاد تغییر نمیشوند؟

**کوروش مدرسی:** به این خاطر که کارگران هنوز پراکنده هستند. به این خاطر که بخشهای کلیدی این طبقه هنوز وارد میدان نشده اند. واضح است که مقاومت زیاد موثری را از کارگران بخشهای کوچکتر و کارگران بیکار و امثالهم نمیشود متوقع بود. به این دلیل ساده که ضعیف تر هستند و توقع پایین تری به آنها تحمیل شده است و هم به این دلیل که از نیروی نخالت موثری کمتر برخوردار هستند. جایی که طبقه کارگر میتواند کمر بورژوازی و دولت اش را بشکند، کارگران بخشهای کلیدی طبقه هستند. آنها باید خوشحال باشد که کارگران شرکت واحد قدم جلو گذاشته اند. به رهبران شان باید درود فرستاد. باید خواست که بقیه کارگران هم به آنها بپیوندند. تا وقتی که پراکنده ایم، تا وقتی که هر کس نست به کلاه خود گرفته باشد، تا وقتی کارگران نفت و برق و آب وارد این مبارزه نشده اند، تا وقتی که کارگران ایران خودرو به این مبارزه نپیوسته اند، بنظر من راه خیلی دوری نمیتوانیم برویم در این شرایط هر چه کارفرما بخواهد به ما تحمیل میکند و این مبارزه سرانجام پیروزمندی نخواهد

اکتبر می پرسد؟  
رستم گودرزی

اکتبر:

در مأموریت اخیر شما به کردستان عراق، امکان دیدار جمعی از مردم را پیدا کردید، در رابطه با حزب ما و اوضاع چه میگویند؟ به نظر شما برای وسعت بخشیدن به فعالیت اجتماعی حزب موافق چیست و چه باید کرد؟

رستم گودرزی:

برای جواب دادن باین سوال لازم است مقدماتی بمواردی اشاره کنم و بعد بان بپردازم.

در کردستان عراق مناسباتی وروابطی حا کم است نمیتوان جز هیچ جامعه نرمالی بحساب آورد مردم از حداقل امکانات محرومند در گرمای 50 درجه آب و برق ندارند، بهداشت و

محیط زیست در حد صفر است، در حالی مردم کردستان ایران باین وضعیت وارد کردستان عراق میشوند برای انهای که برای اولین دفعه وارد این جامعه شده اند تعجب آور و باور نکرده ای است، مشاهده این وضعیت مثبت را دار که بماهیت "حکومت" ناسیونالیستهای کرد در کردستان عراق پی میبرند و همه بطور یکسان با تصویری میباید و با تصویر دیگری برمیگردند. این وضعیت زمینه خوبی برای درک حقایق و سیاست انسانی ما در مورد آینده جامعه ایران است، فاکتهایی عینی و دینی هستند که خود این مردم که میباید و میروند با چشم خود میبینند و قضاوت میکنند. در کردستان ایران طبقه کارگر

بیشتر از هراقشار طبقه ای دیگر تحت فشار و در شرایط بسیار سختی زندگی میکنند درصد کمی کار دارند، مردم فقیر و زحمتکش بلبل فقر مالی و دوری از امکانات تکنیکی مثل کامپیوتر و ماهواره و.. از اطلاعات خبری و ارتباطاتی بشدت ضعیف و تا حدودی محرومند، بخش دیگری که از وضع بهتری برخوردارند و پنحوی گلیم خود را از آب میکشند، با هزار مصیبت ماهواره و کامپیوتر و امکان ارتباطی تهیه میکنند که آن هم مرتب در معرض حملات مزدوران رژیم اسلامی است، مردم برای دستیابی به اطلاعات موجود هم باید همیشه در جدال باشند. در کنار این وضعیت اقلیت کمی در کردستان تحت حاکمیت جمهوری اسلام سرمایدارانی هستند که ثروتهای کلانی بحیب زده اند. مشکل اینکار این است که تعقیب

اوضاع سیاسی به قشر محدودی در جامعه محدود میماند، سیاست هنوز از کتال روشنفکر و دانشجو وغیره میگذرد، هنوز میلیونها انسان تشنه آزادی و برابری در خارج مدار سوخت و ساز سیاسی متعارف قرار گرفته اند.

برای حزبی که بخواهد توده ای شود باید همه این فاکتور ها را نظر بگیرد.

واقعیت این است که کمونیسم در کردستان نفوناجتماعی دارد و علاوه بر اوضاع جهانی وانشعاب در حزب کمونیست کارگری این جنبش تلاش میکند همچنان نفوذ خود را حفظ، گسترش و ترمیم کند. حزب حکمتیست برای اینکه بتواند در این شرایط توده ای شود باید تمام ابزارهای حزبی را درست گرفته و از آنها استفاده کند. برای وجود آوردن حزب توده ای باید سطح توقعات مردم را بالا برد و بسندت و فرهنگ عقب افتاده آنها

مبارزه کرد برای این کار حزب ما منابع عظیمی ماتریال و ادبیات پیشرو در اختیار دارد که با در دسترس قرار دادن آن مردم نیروی قابل اتکالی را متحد و متشکل میکند.

حضور دایم و مستمر کانرها و رهبران کمونیست در میان مردم یکی از ابزارهای مهم و تعیین کننده است، در دسترس بودن نشریات و ادبیات حزبی، امکان پخش برنامه تلویزیونی در سطح لابی، تدبیر و امکان سازی کنترل محلات

حزب برای آموزش سیاسی واحدهای گارد آزادی باید فکری کرده واز هر طریقی که امکان پذیر است آنها را آموزش و تقویت کند.

به کمیته کردستان حزب حکمتیست کمک مالی کنید.

کمک های مالی خود را از طریق ممکن بدست ما برسانید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بنزینی را با هر ابتکاری، به محلی برای اعتراض به رژیم تبدیل کنید و با خواست لغو جیره بندی بنزین رژیم را وادار به عقب نشینی کنید.

### کمیته سنندج حزب حکمتیست ۸ شهریور ۸۵ - ۳۰ آگوست

اعتراض عمومی مردم به این وضعیت هر روز بیشتر میشود. باید این اعتراضات را سازمان داد و قادر شود رژیم را هر چه زودتر وادار به باز گردادن وضعیت عادی کند.

مردم مبارز شهر سنندج! نباید بیش از این اجازه داد اینگونه زندگی و امکانات موجود را از شما دریغ کنند و صاحبان سرمایه و مسئولین و کاربستان رنگارنگ آن سرمایه های هنگفت به جیب بزنند. باید این اعتراضات را سازمان یافته کرد. هر تجمع و هر صف

### جیره بندی بنزین درسندج موجی از اعتراض را دامن زده است با خواست لغو جیره بندی بنزین به خیابانها بیایید

مشکلات بسیار دیگری را بر زندگی آنان تحمیل کرده اند. روزی ۲۵ لیتر به ماشینها داده میشود و در کنار این، سود جویان و بازار سیاه هم رواج پیدا کرده است. بعضا بر اثر ترس از کمبود بنزین و انبار کردن آن تاکنون چندین حادثه ناگوار اتفاق افتاده است. مسبب این وضعیت رژیم است.

منتی است که در شهر سنندج بنزین جیره بندی شده است و صف های طولانی ماشین های شخصی و عمومی در پمپ بنزین ها دیده میشوند. همه میدانند که رژیم مسئول این نابسامانی است. بنزین و مواد سوختی مورد نیاز مردم جیره بندی شده است و

### مامورین رژیم ۲ خانواده را بی سرپناه کردند

هفته گذشته در سنندج، محله چهار دیواری، ماموران رژیم همراه با نماینده مسکن و شهرسازی خانوادہ های شافعی و مشرفی را در این محله از منازلشان بیرون و آواره کردند. این ۲ محل مسکونی ۳ سال قبل توسط استانداری به این خانواده ها اجاره داده شده بود و قرار بر این بوده که این منازل مانند دیگر محل های مسکونی کارمندان، به آنها نیز داده شود و مشخص نیست که بر اساس چه بند و بستی آنها را بیرون کرده اند.

سایه نکبت یار جمهوری اسلامی معنایی جز سلب آزادی، محرومیت بیشتر محرومان و ناامن کردن زندگی و کار آنها چیز دیگری نبوده است. این خانواده ها همچون هزاران خانواده دیگر بی سرپناه حق برخورداری از مسکن مناسب را دارند و باید بتوانند به خانه هایشان باز گردند و آنها را صاحب شوند.

### کمیته سنندج حزب حکمتیست ۱۲ شهریور ۸۵ - ۳ سپتامبر

نمیتواند قادر به عقب راندن مثنی جانی و جنیایتکار شود که تحت نام کارفرما و استاندار و اداره کار و ... برای سرکوب کارگران "تونل وحشت" ایجاد میکنند و بر سر و صورتشان باتوم میزنند. ننگ و نفرت بر آنها و زنده باد اتحاد، سازمان و تشکیلات کارگران.

### کمیته سنندج حزب حکمتیست ۹ شهریور ۸۵ - ۳۱ آگوست ۰۶

# (متأسفانه کارگران اعتصابی نتوانستند بهزاد سهرابی را به سر کار بازگردانند) بهزاد سهرابی اخراج میشود. #حداقل دستمزد ۱۸۰ هزار تومان است. #اخراج کارگران تحت اختیار کمیته انضباطی کارگری است. به این ترتیب کارگران پریس بعد از مذاکره و در بعد ظهر روز ۸ شهریور به سر کار هایشان برگشتند. کمیته سنندج حزب حکمتیست به کارگران و خانواده هایشان و همه کسانی که این روزها در کنار آنها بودند، همه کارگران و تشکل هایی که مبارزه و اعتصاب کارگران را تقویت کردند درود بی پایان میفرستد. مبارزه طبقه کارگر بدون این اتحاد ها و بدون این مبارزات خستگی ناپذیر

### اعتصاب کارگران کارخانه پریس پایان یافت کارگران به بخش مهمی از خواسته هایشان دست یافتند

۱۲ روز کشمکش خستگی ناپذیر کارگران و خانواده هایشان و حمایت های مختلف، نشان داد که کارگران میخوانند و اگر در توان داشته باشند میتوانند تمام خواست ها و حق و حقوق خود را از آنها بگیرند. توافقات انجام شده به این ترتیب است: #قرار دادهای بر طبق روال سابق و به شکل ۲ ماه تمسید میشود. #وثیقه ۲ میلیونی درخواستی کارفرما از کارگران پس گرفته شد. #حکم اخراج ۴ نفر از کارگران کارخانه لغو شد.

چهارشنبه ۸ شهریور مذاکره بین نمایندگان کارگران اعتصابی و کارفرما با حضور نماینده اداره کار و نماینده دولت برگزار شد. این مذاکرات بعد از ۱۲ روز اعتصاب کارگران صورت گرفت. تمام تلاش های وحشیانه و فریبکارانه کارفرما و نیروهای امنیتی و انتظامی نتوانست کارگران را وادار به تسلیم کند. آنها میخواستند کارگران را برده وار به کارخانه بکشانند.

اولین کنگره حزب حکمتیست ۲۱ و ۲۲ اکتبر امسال در آلمان برگزار میشود. این کنگره علنی و شرکت برای همگان در آن آزاد است. حزب ما برای تحقق آرمانها و آرزوهای مردم ایران، برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک دنیای آزاد و برابر، یک دنیا بهتر، مبارزه میکند. کنگره ما، محل تصمیم گیری در مورد بهترین راه دخالت ما در متحقق کردن این آرمانها، به قدرت خود مردم است. شما هم میتوانید به این جمع بپیوندید و در کنار اعضا و فعالین این حزب با ما از نزدیک آشنا شوید. میتوانید در این اجتماع بحث و دخالت کنید. کنگره حزب حکمتیست به همه کسانی که علاقمند اند که این حزب را از نزدیک بشناسند، با مکانیسم های تصمیم گیری آن، رهبری، کادرها، اعضا و فعالین آن از نزدیک آشنا شوند، دعوت میکنیم که در کنگره ما شرکت کنند. کنگره حزب حکمتیست به همه علاقمندانی که میخواهند در آن شرکت کنند، خوش آمد میگوید. برای شرکت در کنگره حکمتیست ها با ما تماس بگیرید.

اکتبر را بخوانید و آنرا تکثیر کنید! اکتبر روزهای چهارشنبه هر هفته منتشر میشود!

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

h\_moradbiegi@yahoo.com  
Tel:0046762737560

سردبیر:

sharifi\_abdollah@yahoo.com  
Tel: 0046704007620

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!